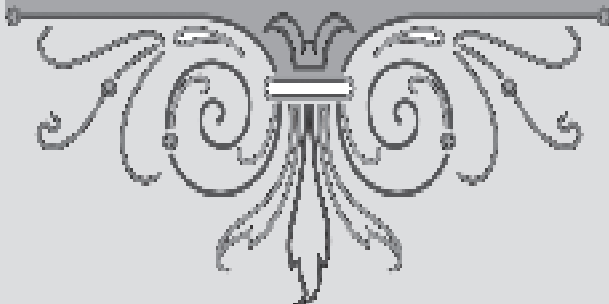


معرفی قدیمی‌ترین سند به دست آمده از ایالت استرآباد

فرمان سلطان یعقوب ابن اوزون حسن آق قویونلو

حضور سادات در استرآباد قبل از دولت صفوی



منابع متعددی وجود دارند که تأیید می‌کنند یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع و سکونت سادات در سرزمین ایران قبل از روی کار آمدن دولت صفوی، ایالت استرآباد بوده است. هم‌چنین منابع تاریخی نشان می‌دهند که ساختار اجتماعی سرزمین استرآباد به گونه‌ای بوده است که در ادوار مختلف تاریخی قبل از صفویه باید اسناد زیادی از ایالت جرجان و استرآباد وجود داشته باشد که متأسفانه به دلیل کشمکش‌های پی‌درپی بر سر این ایالت، تقریباً تمامی این اسناد از بین رفته و تنها بخشی از متن و محتوای این اسناد در کتاب‌های تاریخی قبل از صفویه درج شده است. در بین اسنادی که در دهه‌های اخیر توسط مرحوم مسیح ذبیحی در منطقه‌ی گرگان و دشت (استان گلستان یافت شده و مرحوم دکتر منوچهر ستوده نیز متن آن را در کتاب از آستارا تا استارباد آورده است، فرمانی است از سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۶-۸۸۴ق) در باب «معاف و مسلم شناختن سیدعزالدین مسعود و سیدکمال‌الدین محمود استرآبادی از جمیع تکالیف دیوانی» که میکروفیلم این سند در مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، اما از محل نگهداری اصل این سند اطلاعی در دست نیست.

لذا در این جا به منظور بازنشر متن و تصویر قدیمی‌ترین سند موجود از سرزمین استرآباد، به معرفی این فرمان ارزشمند پرداخته‌ایم.

با وجود اینکه آق‌قویونلوها سنی‌مذهب بودند، اما برخی متون و اسناد تاریخی نشان می‌دهد که بر اساس منابع مذهبی و روایی خود همواره سادات (ساله پیغمبر ص) مورد اعزاز و احترام آن‌ها بوده‌اند. البته این موضوع تنها مربوط به آق‌قویونلوها نیست، بلکه تیموریان، ایلخانان و سلجوقیان نیز این‌گونه بوده‌اند. شاهد این مدعا اسناد و متون متعددی است که از ادوار تاریخی پیش از صفویه برجای مانده است. یکی از این متون فرمانی است متعلق به سال ۸۹۱ ق از سلطان یعقوب آق‌قویونلو که در آن از سادات استرآباد با اعزاز و احترام یاد کرده و از تمامی عمال و گماشتگان حکومت خود نیز خواسته که آن‌ها را مورد اعزاز و احترام قرار دهند. هرچند این سند در شهر تبریز، یعنی پایتخت آق‌قویونلوها، صادر شده، اما با توجه به این‌که نسخه‌ی اصل آن در استرآباد و نزد گروهی از سادات استرآباد بوده، بنابراین این فرمان به نوعی به پیشینه‌ی حضور سادات استرآباد و جایگاه آنان نیز اشاره دارد. آیات، احادیث و عباراتی که در این سند در وصف سادات آمده عبارتند از:

۱- آیه تطهیر «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا»^۱ (این آیه در شأن امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه (ع) نازل شده است).
 ۲- حدیث سفینه «قال النبی صلی‌الله‌علیه‌و سلم مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركب فیها نجاه و من خلف عنها غرق»^۲ (مقصود از اهل بیت، خاندان پیامبر است که همان سادات می‌باشند).
 ۳- سوره شوری: «قُلْ لَأَسْأَلْکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَىٰ»^۳ (واژه‌ی «قربی» را به اهل بیت پیامبر (ص) تعبیر و تفسیر کرده‌اند).

۴- سوره اعراف: «قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۴ (در مورد این آیه دو روایت در ارتباط با امیرالمؤمنین (ع) وجود دارد: ۱- روایت است که پیامبر (ص) در غدیر خم به مردم فرمودند: «معاشر الناس سلّموا علی علی بامر الله المؤمنین» ای مردم! به علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید و بگویید: «الحمد لله الذي هدانا لهذا...»^۵ ۲- از امام هادی (ع) روایت است که فرمود: «در روز قیامت، پیامبر و حضرت علی و تمام ائمه (ع) در برابر مردم قرار می‌گیرند و در این هنگام شیعیان می‌گویند: «الحمد لله الذي هدانا لهذا...»^۶ سید عزالدین مسعود و سید کمال‌الدین محمود: ظاهراً دو برادر، از سادات استرآباد بوده‌اند که در متن فرمان سلطان یعقوب از آن‌ها با عناوین و القاب «عمدتی العلماء فی الانام»، «زبدتی اعظم السادات و النقباء»، «قدوتی اکرام الفضلاء و النجباء»، «جامعی المعقول و المنقول» و «حاوی الفروع و الاصول» یاد کرده که این عناوین نشان از آن دارد که آن‌ها از: ۱- ساله‌ی سادات علوی. ۲- از نقیبان سادات ۳- از بزرگان اهل فضل ۴- از نجیب‌زادگان ۵- عالم و جامع علوم معقول و منقول ۶- عالم به فروع و اصول (از علماء شیعی) بوده‌اند. علاوه بر این، محتوای متن سفارش‌نامه نشان از آن دارد که یا آن‌ها اهل بازرگانی نیز بوده‌اند و یا این اجازه‌نامه را برای سفر به عتبات و مشرف شدن به مکه معظمه دریافت کرده بودند. اما از شواهد انتساب این دو نفر به ایالت استرآباد، نخست آن‌که این سند در استرآباد وجود داشته

۱- بخشی از آیه ۳۳ از سوره احزاب که به «آیه تطهیر» مشهور است.

۲- حدیث نبوی مشهور به «حدیث سفینه» که بین منابع اهل تشیع و اهل تسنن مشترک است.

۳- آیه ۴۳ سوره شوری

۴- آیه ۴۳ سوره اعراف

۵- ر.ک به تفسیر نوالثلین ذیل آیه مذکور

۶- ر.ک به تفسیر اثنی‌عشری؛ کافی، ج ۱، ص ۴۱۸.

و دوم آن که در اسناد دوره‌ی صفوی نیز نام سیدکمال‌الدین محمود آمده است؛ قدیمی‌ترین سند صفوی که نام سیدکمال‌الدین محمود در آن آمده، حکمی از شاه طهماسب صفوی است متعلق به سال‌های ۹۲۹ یا ۹۳۰، در مورد زندگی این دو شخصیت اطلاعی در دست نیست، اما فرمانی از شاه طهماسب مورخ ۲۰ ربیع ۹۵۴/۲ خبر از فوت سید کمال‌الدین محمود داده است. سید کمال‌الدین محمود پدر میر سیدروح‌الله حسینی جد گروه بزرگی از سادات حسینی استرآباد بوده که در اسناد متعدد نام او ذکر شده است.

سندشناسی

باتوجه به این که نسخه‌ی اصل این سند در اختیار نیست، نمی‌توان اطلاعات دقیقی از مختصات فیزیکی آن ارایه داد، اما آنچه که از تصویر آن برمی‌آید این است که عرض این سند حدود ۲۰ سانتی‌متر و طول آن حدود ۸۰ سانتی‌متر بوده، سند فاقد هرگونه تزئینات و نیز عاری از آسیب‌های جدی بوده است. هم‌چنین برای استحکام و ماندگاری، آن را بر روی یک پارچه‌ی کتان چسبانیده‌اند. خط سند تعلیق و ۲۳ سطر است و بنا به معمول فرامین آن دوره و نیز فرامین دوره‌ی صفوی دو سطر نخست آن به صورت نیم‌سطر، در نیمه‌ی چپ سطر نوشته شده و در نیمه‌ی راست آن اثر مُهر سلطان یعقوب درج شده است. ظاهراً آیات و احادیث عربی به رنگ دیگری غیر از سیاه، مانند شنگرف، زر، لاجورد و ... نوشته شده و به همین دلیل در نسخه‌ی میکروفیلم بخش مربوط به آیات و احادیث، در این سند از سایر بخش‌ها کمی کم‌رنگ‌تر است. با توجه با این که یکی از مشهورترین کاتبان و خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو، خواجه عبدالحی منشی استرآبادی بوده و وی یکی از مشهورترین تعلیق‌نویسان سده‌ی ۹ هجری است، لذا احتمال می‌رود ای فرمان به خط خواجه عبدالحی منشی استرآبادی تحریر یافته باشد.

متن سند:

انّما یریدالله لیذهب عنکم الرجس
اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا
قال النّبی صلی‌الله‌علیه‌و سلم
مثل اهل‌بیتی کمثل سفینه نوح من ركب فیها نجی
و من خلف عنها غرق و هوی

هو‌الغنی

الحکم‌الله

ابوالمظفر یعقوب بهادر سیوزومیز^۷

[اثر مُهر گرد سلطان یعقوب: در دایره کوچک وسط: «یعقوب ابن حسن» و در حاشیه: «هرآنکه جانب اهل خدا ننگه دارد/ خداهش در همه حال از بلا ننگه دارد»]
فرزندان سعادتیار و برادران کامکار و امرآ نامدار و وزراء رفیع‌مقدار و حکام و داروغگان و مباشران اعمال سلطانی و ناظران اشغال دیوانی و اصول و اعیان و تمغاجیان و باجداران و

۷- متن تحمیدیه و طغرای سند در تصویر سند موجود نیست و از متن بازخوانی شده‌ی دکتر ستوده در کتاب از آستارا تا استرآباد نقل شده است.

مستحفظان طرق و مقاولان سبل و کشتی بانان و کوتوالان قلاع و ساکنان و متوطنان ممالک محروسه عموماً و عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان و دیاربکر و گیلانات و مازندرانان احسن الله احوالهم بدانند که تا درگاه گیتی پناه ما قبله مقبلان امم و مقبل شفاه بنی آدم شده و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء پیوسته بمقتضی و احسن کما احسن الله الیک عمل نموده تشنه لبان بادیه تظلم را از زمزم کرم سیراب ساخته ایم و از مضمون فحوی و تعاونوا علی البر و التقوی تجاوز نفرموده ایم و منشور عقیده صافی طویت را بطغراء غرای محبت و موذت و اعظام سادات عظام که دراری اصداغ رسالت و ذراری معدن امامت اند و خلعت اعزازشان بطراز قل لاسألکم علیه اجرا الالموده فی القربی محلّی است موشح گردانیده ایم و الحمد لله الذی هدینا لهذا وما کنّا لنهتدی لولا ان هدینا الله نتیجه این مقدمات آنک در این وقت عالیجنابین هدایت مقامین مرتضی ممالک الاسلام عمدتی العلماء فی الانام زبذتی اعظام السادات و النقباء قدوتی اکارم الفضلاء و النجباء جامعی المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول امیر سیدعزالدین مسعود و امیر سید کمال الدین محمود اعلی الله تعالی شأن السیاده و الهدایه بمیامن برکاتهما که بجلالت حسب و شرافت نسب از اقران ممتازاند اقبال صفت بیارگاه سپهر اشتباه ما آمدند و بعزّ مجالست و شرف مؤانست استسعاد یافتند و بانواع تعظیم و تکریم ملحوظ شده به لواحق انعامات و تشریفات محظوظ گشتند بنا بر عنایت پادشاهانه و عاطفت خسروانه که درباره ایشان حاصل بود این حکم جهانمطاع لازم الاتباع شرف نفاذ یافت تا آثار عواطف سلطانی در شأن ایشان بر خواص و عوام ظاهر گردد باید که هر جا که مقدم شریف ایشان رسد و نزول نمایند حکام و اعیان آنجا اکرام و احترام و رعایت و مراقبت ایشان بواجبی بجای آورند نوعی که آثار شکر آن بظهور رسد و مهمات ایشان بکفایت مقرون گردانند و داروغکان و عمال و تمغاچیان و باجداران ممالک محروسه از جهات ایشان تمغا و باج و راهداری و سوغاتی و تخته باشی و سلامانه و غیرذلک طلب ندارند و جهات ایشان را از جمیع تکالیف دیوانی معاف و مسلم و مرفوع القلم دانند و پیرامون بارهای ایشان نگردند و هرگاه متوجه ممالک محروسه شوند در آمدن و رفتن بدین دستور عمل نمایند و از منازل مخوفه بسلامت بگذرانند و ایشان را تکلیف ملاقات امرا و سند و امضاءشان^۸ گرفتن نکنند و سواد این نشان چون بمهر حاکم یا قاضی ولایت باشد معتبر دانند و هر ساله حکم و پروانچه مجدد طلب ندارند ایلچیان و یامچیان و آینده و رونده چهارپایان ایشان و کسان ایشان را الاغ نگیرند و از فرموده عدول نجویند و شکر ایشان را عظیم مؤثر شناسند و از شکایت محترز باشند و چون بتوقیع رفیع اشرف اعلی موشح و موضّح و مزین و محلّی گردد اعتماد نمایند کتب بالامر العالی اعلاه [الله تعالی]^۹ و خلد نفاذه و لازال مطاعاً متّبعا. [ختم بالخیر]^{۱۰} فی عشرين ذوالقعد الحرام سنه احدی و تسعین و ثمانمائه.

بدار السلطنه تبریز

۸- شاید «امضاء [و] نشان» باشد.

۹- عبارت داخل قلاب در حاشیهی سطر ممتازنویسی شده است.

۱۰- این عبارت نیز در حاشیهی سطر به صورت عمودی ممتازنویسی شده است.

وزیران عالمان و اطباء کما و اولاد امراء نامدار
 وزیران و معتمدان و حکام و طایفه کما و سایرین
 اهل طایفه و اطعمه اشغال دولتی و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما
 ملاحظه کنان و سلطان کما و معتمدان و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما
 ما بلیت قبل از این و قبل از این و قبل از این و قبل از این و قبل از این و قبل از این و قبل از این و قبل از این
 باد نظر و در نظر کما و معتمدان و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما
 نظر از عمل و معتمدان و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما
 بلیت و اولاد کما و معتمدان و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما
 متصدران و معتمدان و صلواتی و احسان و احسان حفظان طایفه و اولاد کما و اولاد کما و اولاد کما

سطور آغازین فرمان سلطان یعقوب

(منبع: مرکز اسناد تاریخی موسسه فرهنگی میرداماد)

وادسان الكفله ملكا لبر اوسه وادضا، سان كفنك و سولطان شان عون حاكم امانه لبر
 منبره داره سالتك و اوسه و طلبه زهير الحمان و امانه و وزير حمار امانه كذا
 الايج كبره و اوسه و اول حوز كرامه الصلوة و شامه و اوسه و حوز سنه عون
 الله تعالى
 مودع رفيع ارف اعلی شوع و مودع مودع حوز كرامه الصلوة و امانه
 ضاه زمانه و امانه و امانه متبعه
 بهر امانه

سطور پایانی فرمان سلطان یعقوب به تاریخ ۸۹۱ (هـ)
 (منبع: مرکز اسناد تاریخی موسسه فرهنگی میرداماد)